

## 4

## "سولون" در یونان باستان از اولین کسانی بود که قانون را جایگزین شرعیات الهی و فرامین سلطانی کرد.

با برجسته شدن معنای "امنیت" که یک موضوع روزمره و یک نیاز همگانی بود و با توجه به اینکه در جامعه‌ی آتنی آن زمان، مناسک و شرعیات یک خدای واحد، حاکم نبود و هر گروه و دسته‌ی ساکن در آتن خدا و نیای خود و مناسک خود را برای زندگی دینی و قدسی خویش، مرجع قرار داده بود. اهالی ساکن در آگورا (همان بازارهای سنتی شهری) متوجه شدند که هر گروه و دسته‌ای برای خودشان یک سری دستورالعمل‌هایی دارند که مختص به همان عبادتکده‌ی خودشان است (به اصطلاح یونانیان هر مجموعه‌ی انسانی‌ای گنوس یا عبادتکده‌ی خودش را دارد) و این تکثر قدسی و دستورالعمل‌های جورواجور ادیان متعدد، چاره‌ی مناسبی برای رفع مشکلات روزمره و عمومی و مشترک مردم ساکن در شهر نیست. وقتی دشمن حمله می‌کند یا بیماری‌ای می‌آید یا اختلافی بین اشراف و کارگران اتفاق می‌افتد، نمی‌توان با این دستورالعمل‌های شرعی به رفع بحران اندیشید. ضرورت دارد، دستورالعمل‌هایی را تدوین کرد تا شامل همه‌ی افراد ساکن در شهر گردد. همانطور که در مطلب قبل گفته شد، در چنین شرایطی اولین معنای قانون که "نوموس" نامیده می‌شد شکل گرفت.

یکی از اولین افرادی که در نوشتن "نوموس" اهالی آگورا را یاری کرد، فردی به نام "سولون" بود. سولون در شرایطی که بین صاحبان زمین و کارگرانشان اختلافی درگرفته بود و دستمزدهای کارگران به طریقی پرداخت نشده بود یا به تعویق افتاده بود، به درخواست اشراف آتنی، شروع به نوشتن دستورالعمل‌هایی برای بهبود اوضاع داد و ستد بین کارگران و آرکونتها (همان کارفرماها و رؤیسان) کرد. او نشان داد که با نوشتن یک سری شرایط مشخص در داد و ستد، می‌توان سطح بحران موجود در کار را مدیریت کرد. اینجا بحث بر سر این نیست که قوانین سولونی در آن زمان قوانینی مطابق با حقوق شهروندی یا حقوق بشر بوده است یا نه؛ که چنین پرسشی به واقع هرگز مسئله‌ی آتنیان در

### حزب ما حزبی برای آزادی-عدالت

آن زمان نبوده است، بلکه تاکید بر این نکته است که در آن دوره، اشراف و صاحبان سرمایه، متوجه شدند که با دو نوع مکانیزم رایج در ساختار مدیریتی خویش، دیگر نمی توانند با نیروهای کار برخورد کنند. آن دو مکانیزم، یکی شرعیات قدسی که با فرامین از پیش تعیین شده‌ی الهی تنظیم شده بود بود و دیگری دستورات یک طرفه‌ی اعمال شده از جانب حاکمی سلطه‌گر و مستبد بر نیروهای کار. سولون به گونه‌ای در نگاشتن قانون، توجه‌اش را به مطالبه و نیاز واقعی موجود در روابط کار معطوف کرد. یعنی وقتی بین دو گروه یا دسته‌ای اختلافی پیش آمده بود، نگاشتن قانون را به عنوان راهکاری برای رفع این اختلاف در نظر گرفت. قانون همانطور که سابق بر این و در معنای ایرانی‌اش چیزی بود تا دادگستری کند، برای اهالی آگورا اهمیت پیدا کرد. آنطور که وقتی سولون درون اختلاف خود را قرار داد، به جای انتخاب راهکار سرکوب، راهی برای توافق طرفین تدوین کرد، راهی که افراد به خاطر خدایی یا سلطانی که دستورات یا فرامینی صادر کرده از نیاز و مطالبه‌ی خود، صرف‌نظر نکرده و کوتاه نیایند. این فهم از "قانون" که به مطالبات واقعی و روزمره‌ی طرفین یک نزاع توجه می‌کرد، مقدمه‌ای برای ظهور و بروز بسیاری چیزهای دیگر در آن زمان گردید. از سویی به مثابه قوانین ایرانی، دیگر اراده‌ی سلطان دادگستر هم پشت این قوانین حضور نداشت، بلکه مطالبه‌گران قانون جمعیت بیشتری از سلطان یا اطرافیان او بودند و نسبت جدیدی بین مالکیت و میل به نگاشتن قانون از جانب مالکان آشکار شد. ما اینجا اولین شکافهای معنایی "قانون" در باستان را درک می‌کنیم، شکاف‌هایی که بین معانی "شرعیات قدسی"، "فرامین حاکم" و "قوانین شهری است". همه‌ی اینها دیگر نمی توانست به عنوان یک معنای مشترک و با لفظی واحد به نام قانون در نظر گرفته شوند.